

دو مکتوب ناپلیون

بفتحعلی شاه

ناپلیون وقتی در صدد آن بود که بدستاری ایران بهندوستان حمله کند و در جاب فتحعلی شاه اقداماتی کرد که منتهی شد به عقد عهدنامه ای میان فرانسه و ایران این دو مکتوب که نخستین مکاتیب ناپلیون بفتحعلی شاه است اولین قدمیست که در این راه برداشته است و عیناً ترجمه شده

پاریس ، ۱۶ فوریه ۱۸۰۵ (۱)

بنایپارت (۲) امپراطور فرانسویان بفتحعلی شاه ایرانیان، سلام بر تو

من همه جا مأمورینی دارم که از آنچه آگاهی آن مرا اهمیت دارد بمن اطلاع می دهند، بتوسط ایشان من میدانم بکجا و در چه موقع می توانم پادشاهان و مللی که دوستدار ایشانم آراء دوستانه و یاوریهای قدرت خویش را بفرستم .

آوازه شهرت که همه چیز را آشکار میسازد ترا معلوم کرده است که من که ام و چه کرده ام، چگونه فرانسه را برتر از تمام ملل غرب قرار داده ام، بکدام دلایل آشکار پادشاهان مشرق علاقه خویش را نسبت بایشان ظاهر ساخته ام و کدام سبب پنج سال پیش مرا وادار کرد از مقاصدیکه برای فخرایشان و سعادت ملت ایشان داشتم منصرف گردم. من میل دارم خود بمن بگوئی که چه کرده ای، و برای تأمین عظمت و بقای سلطنت خود چه در نظر داری. ایران دیر شریفیست که خداوند عطایای خود را در حق آن دریغ نکرده است. ساکنین آن مردمانی هوشیار و بی باکند و شایسته آنند که حکومت خوب داشته باشند. و باید که از یک قرن پیش تا کنون بیشتر از اسلاف تو لایق حکمرانی این ملت نبوده باشند زیرا که

(۱) ۱۷ ذیحجه ۱۲۱۹

(۲) Bonaparte اسم خانوادگی ناپلیون

این ملت را گذاشته‌اند که از مصائب نفاق خانگی آزار ببیند و از میان برود .

نادرشاه جنجوی بزرگی بود ، توانست قدرتی بسیار بدست آورد ، برای فتنه‌جویان وحشت‌انگیز و برای همسایگان خود دهشت افزا بود ، بردشمنان خود چیره شد و با مفخرت پادشاهی کرد ، ولی این فرزاندگی را نداشت که هم بفکر حال وهم در اندیشه آینده باشد ، احفادوی جانشین او نشدند . تنها محمد شاه (۱) عم تو در نظر من شاهانه زندگی کرده و خسروانه اندیشیده است ، قسمت اعظم ایران را بتصرف خویش در آورده و سپس آن قدرت شاهانه را که در فتوح خویش بدست آورده بود برای تو گذاشته است . تو سر مشقهائی را که وی بتو داده است پیروی خواهی کرد و فراتر از آن خواهی رفت ، توهم چون وی از آرای ملتی از سوداگران که در هندوستان با جان و تاج پادشاهان بازرگانی میکنند حذر خواهی کرد و ارزش ملت خویش را در برابر تجاوزاتی که روسیه در قسمتی از مملکت تو که همسایه خاك اوست بدان کوشش میکند وسیله جلوگیری قرار خواهی داد .

۲۶۰

من يك تن از خدمتگزاران خویش را نزد تو میفرستم که در بر من مقامی مهم و اعتمادی کامل دارد . او را مامور میکنم که احساسات مراتب و بگوید و هرچه باو بگوئی بر من ادا کند . من باو فرمان می‌دهم که از استانبول عبور کند و میدانم که یکی از اتباع تو اسف و ایزو سویچ (۲) بانجا رسیده و خود را فرستاده تو قلم داده است تا بنام تو پیشنهادهای دوستی بمن بکنند ، خدمتگزار من ژوبر (۳)

(۱) مراد آقا محمدخانست

(۲) Osseph-Vasissowitch

(۳) Jaubert نخستین سفیر ناپلئون بایران و حامل این مکتوب

در ماموریت این ایرانی تحقیق خواهد کرد. از آنجا بغداد خواهد رفت و آنجا روسو (۱) یکی از مامورین با وفای من راهنمای او خواهد شد و سفارش های لازم را باو خواهد کرد تا بدربار تو برسد. بمحض اینکه پیشرفت این روابط مسلم شده هیچ مانعی نیست که باقی و برقرار بماند. تمام ملل نیازمندیک دیگرند. مردم مشرق زمین جرأت و هوش دارند، ولی نادانی از بعضی صنایع و اهمال از نظامات که باعث افزونی قوت و فعالیت قشونست ایشان را در جنگ با مردم شمال و مغرب نقصان می دهد. دولت مقتدر چین سه بار در تصرف آمده است و امروز حکمران آن يك ملت جنوبیست، و خود بچشم خویش می بینی چگونه انگلستان که يك ملت غریبست که در میزان ما در عداد آن ملیست که جمعیت آن کمتر و قاسم و آن تنگ ترست معذک تمام دول هندوستان را می لرزاند.

تو بمن آگاهی خواهی داد که چه می خواهی و ما روابط دوستی و تجارت را که سابقاً در میان مملکت تو و مملکت من بوده است تجدید خواهیم کرد. ما با يك دیگر همدست خواهیم شد که ملل خویش را مقتدر تر و متمول تر و سعادتمند تر کنیم. من از تو خواهش دارم خدمتگزار باوفائی را که نزد تو میفرستم خوب پذیرائی کنی و یاری خدای و سلطنت طولانی و مفتخر و عاقبت خیر را برای تو آرزو مندم.

در قصر امپراطوری تولری (۲) در تاریخ ۲۷ پلوویوز (۳) سال

(۱) Rousseau کارگزار فرانسه در بغداد

(۲) Tuileries قصر سلطنتی پاریس

(۳) Pluviôse ماه پنجم از تقویم جمهوری فرانسه

۱۳ (۱) و سال اول سلطنت من نوشته شد.

مکتوب دوم

پاریس ، ۳۰ مارس ۱۸۰۵ (۲)
 من باید باور کنم که فرشتگانی که پاسبان سعادت دولند خواستار آنند
 که من با مساعی که تو در تأمین قدرت مملکت خویش بکار می بری
 یآوری کنم ، زیرا که یک فکر در یک زمان در اذهان ما خطور
 کرده است . مأمورینی که حامل مکاتیب ما بوده اند در استانبول
 بهم برخورد کرده اند ، و در ضمن اینکه حکمران تبریز از جانب تو با
 فرستاده من در حلب رابطه مکاتبه را می گشود بمأمور مزبور از
 جانب من فرمان رسیده بود که روابطی با وزرای تو در سرحدات
 عثمانی افتتاح کند .

باید تن بقضای آسمان در داد زیرا که پادشاهان را برای آن
 قرار داده است که ملل را سعادت مند کنند ، و چون قرن بقرن
 مردان بزرگ را بوجود می آورد این قاعده را بریشان هموار میکند
 که با یک دیگر همدستان شوند ، تا اینکه اتفاق مقاصد ایشان مفاخر
 ایشان را بیشتر رونق دهد و اراده ای را که در نیکوکاری دارند
 تقویت کند ، جز این نظر دیگری توانیم داشت ؟ ایران شریف
 ترین دیار آسیاست . فرانسه نخستین کشور مغربست ، بر ملل و
 ممالکی حکمرانی کردن که طبیعت بزیبائی ایشان مایلست و خواستار
 آنست که ایشان را از محصول فراوان توانگر کنند ، فرمانفرمائی
 بر مردمان صنعتگر و هوشیار و دلیری که درین دودیار سکنی دارند
 آیا از هر سرنوشت پسندیده تر نیست ؟ ولی در روی زمین ممالکی

۲۶۲

(۱) از تقویم جمهوری فرانسه که مبدأ آن سال اول جمهوری بود

(۲) سلخ ذیحجه ۱۲۱۹

هست که طبیعت آن حق ناشناس و عقیمست و از تولید آنچه برای معاش ملل لازمست دریغ می ورزد. درین ممالک مردم مضطر و حریص و حسود بوجود می آیند، و بداجال اقطاری که آسمان با ایشان مساعدست ولی در ضمن آنکه نیکی خود را در حق آنها دریغ نمی کنند پادشاهان فعال و بی باک بایشان نمی دهد تا بتوانند از نتایج جاه طلبی و حرص و فلاکت ایسان را حفظ کنند.

روسها از کویرهای خود کسل شده اند و نسبت بزبیا ترین قسمت های مملکت عثمانی تجاوز می کنند، انگلیسها که جزیره ای تبعید شده بودند که ارزش کوچک ترین ایالت دیار نرا هم ندارد ولع نسبت بشروت ایشان را برانگیخت و در هندوستان قدرتی فراهم کردند که هرروز وحشت انگیزترست. این دو دولت را باید مراقب بود و باید از ایشان ترسید، نه از آن حیث که مقتدرند بلکه از آن حیث که حاجت دارند و شهوت دارند که مقتدر گردند.

یکی از خدنگزاران من می بایست علائم دوستی مرا بتورسانده باشد، آجودان ژنرال رمیو (۱) که امروز نزد تومی فرستم مخصوصاً مأمورست از آنچه مربوط بمفاخر تو و قدرت تو و حوائج و منافع و مخاطرات تست تحقیق کند. مردیست که جرأت و فرزاندگی دارد، خواهد دید که رعایای تو چه کم دارند تا آنکه دلاوری طبیعی ایشان را بوسیله این صنایعی که چندان در مشرق زمین معروف نیست یاری کنند زیرا که دولت ملل شمالی و غربی معرفت آنها برای تمام ملل عالم واجب کرده است.

من از اخلاق ایرانیان آگاهم و می دانم که با شادی و سهولت آنچه را که لازمست برای افتخار و امنیت خود فراگیرند

(۱) Romieu سفیر دوم ناپلیون در ایران که در طهران فوت کرد.